هو الله - پاک یزدانا، جمعیم پریشان تو. بیگانه‌ایم خویشان تو افسرده‌ایم شعله بر افروز.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۰۴

## **هو الله**

پاک یزدانا، جمعیم پریشان تو. بیگانه‌ایم خویشان تو افسرده‌ایم شعله بر افروز. پژمرده‌ایم دلها را بآتش محبّت بسوز. هر چه هستیم آشفته روی توایم و سر گشته کوی تو بیچاره‌ایم و آواره، افتاده‌ایم پر آه و ناله، ذرّاتيم ولی در هوای تو اوج یافتیم، قطراتیم ولی در موج یم تو شتافتیم. این خفتگان را بیدار فرما و این آوارگان را هشیار. این سيّاره‌های باختر را اختران خاور کن و این گیاه‌های بی ثمر را درختان بارور. اگر چه ما موران ذلیلیم اما تو سلیمان پر حشمت سلطنت جلیل. اگر چه ما خوار و گنه کاریم امّا تو بزرگوار و آمرزگار. در استعداد و استحقاق نظر مفرما و در تعينّات و قابليّات ملاحظه مکن. در فضل و جود خویش بر بیگانه و خویش نظر نما اگر موج دریای بخشش و دهش اوج گیرد عالم آفرینش را مستغرق نماید. اگر انوار ساطعه خورشید آمرزش بدرخشد ظلمات حالکه سیئات و خطیئات را پرتوی محو نماید تجلّی ماء طهور است و فیض اصل صهبای کأس مزاجها کافور. آن هر آلوده را پاک نماید و این هر افسرده و پژمرده را چابک و افروخته و چالاک ای پروردگار این حروف مفرده را کلمات تامّات کن و این کلمات مجمله را آیات باهرات، تا حجج بالغه گردند و رحمت سابقه حقیقت فائقه شوند و نعمت سابغه مصابیح علا گردند و مفاتیح ابواب تقی. نجوم هدی شوند و رجوم نفس و هوی. حقیقت فائضه گردند و عروق و شریان نابضه اشجار بوستان تو شوند و ازهار گلستان تو ای خدای مهربان این جمع پریشان هر یک از کشوری و بومی و مرزی و ثغوری. یکی شرقی و دیگری غربی یکی جنوبی و دیگری شمالی. همچنانکه این بیچارگان را در ملک ادنی در اشرف نقطه از ثری بعد از بقاع علیا جمع فرمودی امیدواریم که بفضل و جودت و عنایت و موهبتت در اشرف نقطه از ملکوت اعلی جمع فرمائی. تا کلّ در ظلّ سدره منتهی بیارامیم و بنعمت فوز بلقاء فائز ربّ حقّق ذلک بفضلک و جودک (ع ع)

